

• اهمیت اخلاق و تربیت در رسالت مدیران حوزه‌های علمیه

آنچه می‌خواهم خدمت سروران گرامی عرض کنم، مسأله حیاتی اخلاق و تربیت در مسئولیت بزرگ مدیران محترم حوزه است. قطعاً همه بزرگواران از من بهتر و بیشتر به این امور آگاهند؛ ولی از باب آیه شریفه ﴿وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَی تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِیْنَ﴾، می‌خواهم به اهمیت یادآوری در مسائل معنوی و علمی تأکید کنم و امید دارم، این تذکر هرچند کوتاه، اثرگذار باشد.

• اخلاق؛ رکن اساسی نظام ارزشی اسلام

اخلاق، یکی از مسائل بنیادین در نظام ارزشی و هستی‌شناختی اسلام است و نقشی حیاتی و سرنوشت‌ساز در رسالت روحانیت و حوزه‌های علمیه دارد. این موضوع بار سنگینی بر دوش مدیران حوزه است که در تربیت سربازان حضرت بقیةالله‌الاعظم علیه‌السلام مسئولیت خطبری بر عهده دارند. حدیث نورانی «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ»، به‌وضوح جایگاه والای اخلاق در دین را نشان می‌دهد؛ حقیقتی که همواره در آیات الهی و روایات حضرات معصومین علیهم‌السلام و پیام‌های انبیای الهی علیهم‌السلام متجلی شده و همه کتب آسمانی به دنبال عملی‌کردن آن در جامعه هستند.

• ضرورت توجه ویژه به اخلاق و تربیت در مدیریت حوزه

در زمینه اخلاق و تربیت، هنوز باید گام‌های جدی‌تری برداشته شود؛ هم از نظر آموزش و هم پژوهش و فرهنگ‌سازی. به‌عنوان یک طلبه کوچک، معتقدم حوزه‌های علمیه، شورای عالی و به‌خصوص مرکز مدیریت حوزه و سازمان‌های تابعه، باید برای این مسأله جایگاهی ویژه لحاظ کنند و برای آن برنامه‌ریزی جامع و دقیق ترتیب دهند تا بتوانند، نقش اثرگذار در تربیت سرمایه‌های معنوی و علمی آینده ایفاکنند.

• توجه به اخلاق و تربیت؛ ضرورت والگوهای جهانی

علامه مصباح علیه‌السلام از تجربه‌ای در انگلستان چنین یاد می‌کردند که به دنبال یک کتاب اخلاقی بودند و در یک کتاب‌فروشی بزرگ، بخش وسیعی را دیدند که تقریباً تمامی آثار چاپ‌شده طی ده‌سال اخیر را به موضوع اخلاق اختصاص داده بود و حجم آن، شاید بیش از مجموعه آثار اخلاقی ما باشد. این امر در کشوری که داعیه اخلاق و معنویت ندارند، نشانگر سرمایه‌گذاری عظیم و گسترده در زمینه تحقیق و نشر کتاب‌های اخلاقی بود. ایشان می‌گفتند: با وجود تلاش‌های زیاد بزرگان ما و وجود کتاب‌های ارزشمند و کیفی، حجم فعالیت ما در حوزه اخلاق و تربیت و ارزش‌ها و هنجارها باید بسیار بیش از وضع کنونی باشد.

• نگاهی به نظریه‌های تعلیم و تربیت؛ نظام اعتدالی اسلامی

در تعلیم و تربیت، نظام‌های متفاوتی وجود دارد؛ در کشورهای غربی، نظامی لیبرالیستی حاکم است که معتقد است، باید به متعلم آزادی داد تا استعدادهایش شکوفا شود و روحیه استقلال در او شکل بگیرد و هر نوع محدودیت برداشته شود. در نقطه مقابل، در برخی نظام‌های شرقی، قوانین و مقررات به‌شدت حاکم‌اند و حتی ریز مسائل در چارچوب قوانین مشخص تعریف شده‌اند. هر دو رویکرد لایل و شواهد خود را دارند که البته قابل تردید جدی است. رویکرد سوم، رویکرد اعتدالی است که طیفی را تشکیل دهد.

اسلام نظام اعتدالی خاص خود را پیشنهاد می‌کند؛ اعتدالی که آزادی را در قالب ارزش‌های ثابت تعریف می‌کند. این نظام نه آزادی مطلق را می‌پذیرد و نه آزادی متریی را به‌کلّی نادیده می‌گیرد.

• اجرای نظام اعتدالی؛ شناخت و عمل مدیران

برای اجرای این نظام، نخستین گام، شناخت دقیق خود نظام اعتدالی است که نیازمند تحقیقات گسترده و جامع در حوزه‌های مختلف می‌باشد. بر اساس این شناخت، می‌توان اصول کلی را تعیین کرد که باید در این نظام به آنها توجه شایان داشت.

بدون ورود به جزئیات، به‌طور اجمال، مدیران باید در تمامی ابعاد تعلیم و تربیت، از جمله بعد جسمانی و مادی، بعد روحی و معنوی، شرایط محیط بیرونی و همچنین چالش‌ها و تنش‌های داخلی و خارجی که متربی ممکن است، با آن مواجه شود، با برنامه‌ای جامع و منسجم اقدام کنند. رعایت این اصول و توجه همه‌جانبه به ابعاد وجود انسان، بهترین مسیر برای تحقق اهداف نظام اعتدالی در حوزه تعلیم و تربیت است.

• نظام مدیریت حوزه‌های علمیه و جایگاه مدیران در تربیت

در نظام کنونی حوزه‌های علمیه، شورای‌عالی حوزه‌های علمیه و مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه، فعالیت می‌کنند که قوانین و ضوابط مشخصی برای مدیریت حوزه وضع کرده‌اند. بخشی از این قوانین و اصول، از سوی شورای مدیریت و مرکز مدیریت



آیت‌الله رجبی

اصول مدیریت موفق تربیتی در حوزه‌های علمیه

آموزه‌ها و تجربیات علامه مصباح رحمۃ‌الله‌علیه

آیت‌الله رجبی، عضو شورای عالی حوزه‌های علمیه در اجلاسیه سراسری مدیران حوزه‌های علمیه کشور که با موضوع بررسی «مباحث اخیر و جنگ تحمیلی و دفاع مقدس ۱۲ روزه» در مشهد مقدس برگزار گردید، در سخنانی به موضوع «اصول مدیریت موفق تربیتی در حوزه‌های علمیه؛ آموزه‌ها و تجربیات علامه مصباح علیه‌السلام» پرداخت که مشروح آن بدین شرح می‌باشد.

را به خطر می‌اندازد. همچنین باید به رابطه و تأثیر

دوسویه این دوبعاد توجه ویژه داشت؛ مثلاً برخی ناهنجاری‌های روحی و روانی یا عدم آمادگی یادگیری، ممکن است ریشه در مشکلات جسمانی داشته باشد و بالعکس، برخی بیماری‌ها و ضعف‌های جسمی، می‌تواند از مسائل روحی ناشی شود. با این حال، بر اساس مبانی انسان‌شناسی ما، هویت اصلی انسان، روح اوست و جسم نقش ابزاری دارد که البته برای تحقق رشد و تربیت معنوی، سلامت جسم هم اهمیت دارد؛ بنابراین اصل اول در تربیت، توجه همزمان به بعد روحی به عنوان هدف اصلی تربیت و بعد جسمی به‌عنوان وسیله‌ای برای حمایت از آن است. غفلت از هریک از این دو بعد و ارتباط میان آنها، می‌تواند تربیت را ناقص و نارس کند.

از سوی دیگر، در عین توجه به روح و مسائل معنوی به‌عنوان هدف اصلی تربیت، توجه ویژه‌ای به سلامت جسمانی طلبه‌ها نیز مهم است. علامه مصباح علیه‌السلام معتقد بودند، علاوه بر مراقبت جسم، باید به تخلیه انرژی دوران نوجوانی و جوانی نیز توجه شود تا این انرژی در مسیر درست و سازنده مصرف گردد. در این زمینه، ورزش که مقام معظم رهبری نیز بر آن تأکید فراوان دارند، نقش مهمی ایفا می‌کند.

علامه مصباح علیه‌السلام نقل می‌کردند که روزی خدمت مقام معظم رهبری رسیدیم و ایشان پرسیدند: «شما ورزش می‌کنید؟» پاسخ دادند: کمتر. مقام معظم رهبری توصیه کردند: پیاده‌روی کنید و پس از آن، علامه مقید بودند در دوران سلامت، هر روز از بعد نماز صبح تا طلوع آفتاب، پیاده‌روی منظمی داشته باشند.

ایشان همچنین به جوانان سفارش می‌کردند که علاوه بر ورزش، فعالیت‌های جهادی و اجتماعی انجام دهند؛ زیرا این فعالیت‌ها کمک می‌کند، انرژی جوانی و نوجوانی به‌خوبی تخلیه شده و در مسیر سازنده‌ای قرار گیرد و موجب رشد و پایداری جسمی

و روحی آنها شود.

• اصل دوم: اعتدال و انعطاف در برنامه‌های مدیریتی

اصل دوم که باید به آن توجه ویژه داشت، اعتدال است. این اصل را می‌توان با مفهوم انعطاف تکمیل کرد. در تمامی برنامه‌های مدیریتی، لازم است اعتدال رعایت شود؛ چه در بعد معنوی و چه در بعد جسمی؛ حتی در مسائل معنوی، خروج از دایره اعتدال، ممکن است پیامدهای منفی به دنبال داشته باشد و منجر به بروز ناهنجاری‌های جسمی و روحی شود. برای مثال، افراط در زهد و انجام اعمال عبادی به‌صورت غیرمتعادل، ممکن است نه‌تنها به سلامتی جسم آسیب برساند؛ بلکه تأثیر منفی در رشد معنوی فرد داشته باشد. علامه مصباح علیه‌السلام به‌شدت بر ضرورت رعایت اعتدال تأکید داشتند و معتقد بودند، نظریه تربیت در اسلام، نظریه‌ای اعتدالی است که اعتدال، حتی در ابعاد معنوی نقش حیاتی دارد. ایشان نمونه‌هایی را از دوران حضور خود در مدرسه حقانی بیان می‌کردند که به‌علت نبود اعتدال، برخی افراد دچار آسیب‌های جدی شده بودند.

علاوه بر اعتدال، انعطاف در برنامه‌ها نیز اهمیت فراوانی دارد. برنامه‌های خشک و بدون انعطاف، منجر به نتایج معکوس خواهند شد. در جلسه شورای مدرسه رشد که دو هفته یکبار بنده و مدیر مدرسه با علامه مصباح علیه‌السلام جلسه داشتیم، یکی از سه محور اصلی مورد تأکید علامه، ضرورت داشتن برنامه‌ای منعطف بود. برنامه نباید به‌گونه‌ای باشد که فرد تحت فشار شدید و قالب‌های سخت‌گیرانه قرار گیرد؛ بلکه باید امکان تعدیل اقدامات در شرایط مختلف فراهم باشد. بدین ترتیب، انعطاف‌پذیری در عمل، می‌تواند باعث بهبود وضعیت و افزایش اثربخشی برنامه‌ها شود.

• اصل سوم: اقتناع و تبیین غیرمستقیم؛ رویکردی مؤثر در مدیریت تربیتی

یکی از اصول اساسی که بسیار مورد تأکید قرار گرفته، اصل اقتناع و تبیین به‌صورت غیرمستقیم است؛ به‌جای صدور دستورهای خشک و مستقیم. به‌گفته آیت‌الله مصباح، مجموعه‌ای از اصول ثابت وجود دارد که باید از ابتدا برای طلبه‌ای که وارد حوزه می‌شود، تبیین و تفهیم گردد تا با آگاهی و پذیرش وارد این نظام شود. هر نظامی قواعد و مقررات خاص خود را دارد و این امر نه‌تنها اشکالی ندارد؛ بلکه طبیعی و ضروری است؛ اما نکته مهم‌تر، ادامه روند توجیه و اقناع طلبه‌هاست تا آنها از درون، دستورالعمل‌ها و برنامه‌ها را بپذیرند و همراهی کنند.

ایشان بارها از سبک مدیریتی شهید بهشتی رحمۃ‌الله‌علیه یاد می‌کردند که روش خاصی داشتند؛ پیش از اجرا، مسأله‌ای را به صورت پرسش مطرح می‌کردند و از اعضا می‌خواستند، نظرات خود را بیان کنند. وقتی فردی نظری را مطرح می‌کرد که همسو با نظر خود ایشان بود، آن را برجسته می‌کردند و جلسه را به‌گونه‌ای پیش می‌بردند که همه حاضرین حس کنند، با هم‌فکری و اراده جمعی به نتیجه رسیده‌اند. چنین شیوه مدیریتی، بهترین روش است؛ چراکه باعث می‌شود، افراد به صورت درونی و فکری برنامه‌ها و تصمیمات را بپذیرند و احساس کنند که خواسته خودشان است.

همچنین، از دیدگاه استادشان، آیت‌الله‌العظمی بهجت رحمۃ‌الله‌علیه، توصیه مهمی نقل می‌کردند که تذکرات و یادآوری‌ها به‌ویژه درباره رعایت دستورالعمل‌ها باید به‌صورت غیرمستقیم و در قالب راهنمایی و تذکر ظریف باشد. ایشان می‌فرمودند که آیت‌الله بهجت، هیچ‌گاه توصیه‌های اخلاقی و تربیتی خود را به‌شکل مستقیم بیان نمی‌کردند؛ بلکه این توصیه‌ها را در قالب داستان، حکایت، نقل قول از اشخاص یا روایات و آیات بیان می‌نمودند.

خود علامه مصباح نیز در طول پنجاه سال که در خدمت ایشان بودم، به‌ندرت تذکر مستقیم در مسائل تربیتی داشتند و در مجامع بیشتر از طریق ذکر



• گزارش خبری

داستان‌ها، آیات و روایات، مفاهیم تربیتی را منتقل می‌کردند تا جدایی و خشکی در ارتباط مریی و متریی ایجاد نشود و پیام‌ها بهتر در دل‌ها بنشینند.

• اصل چهارم: برانگیختن کرامت و عزت نفس

یکی دیگر از اصول اساسی تربیت، تقویت احساس کرامت و عزت نفس در طلبه است. طلبه باید دچار رشد و بالندگی در کرامت نفسانی و اعتماد به نفس شود؛ چراکه شکوفایی این ویژگی‌ها سبب می‌شود، طلبه از آلوده‌شدن به بسیاری از ناهنجاری‌ها و انحرافات مصون بماند. در روایات نیز بر اهمیت این موضوع تأکید شده است: «مَنْ كَرُمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ لَمْ يَهِنْهَا بِالْمَعْصِيَةِ»؛ البته این اصل نیاز به تحلیل و تفصیل دارد؛ ولی برای اختصار از بیان تفصیلی آنها صرف نظر می‌کنم.

• اصل پنجم: اصل برجسته‌سازی و اهتمام بیشتر به بُعد معنوی و ارتقای معرفت

بر اساس انسان‌شناسی اسلامی، روح اصل هویت انسان است و باید در تمامی برنامه‌ریزی‌های مدیران حوزه، برجسته و محور قرار گیرد. لازم است برای تقویت روح و بُعد معنوی، رشد معرفت نسبت به خداوند، صفات و افعال الهی، حضرات معصومین علیهم‌السلام و نقش آنان در نظام تکوین و تشریع و هستی و تربیت، سرمایه‌گذاری ویژه و زمان کافی اختصاص داده شود. زندگی، سیره عملی و توصیه‌های تربیتی علامه مصباح علیه‌السلام در مؤسسه رشد، نمونه روشنی از اهمیت این بعد است.

• اصل ششم: تقویت حس استقلال و پرهیز از طفیلی‌گری

از دیگر اصول حیاتی، تقویت روحیه استقلال در طلبه و دوری از وابستگی بیش از حد به دیگران است. طلبه باید توانایی روی پای خود ایستادن در ابعاد مادی، آموزشی، اخلاقی و تربیتی را پیدا کند. برنامه‌های تربیتی نباید بسیار خشک و محدودکننده باشند که استقلال را تضعیف کنند. علامه مصباح علیه‌السلام تأکید داشتند که تربیت باید به‌گونه‌ای باشد که روحیه استقلال به‌تدریج در طلبه شکل گیرد؛ چراکه پس از دوران آموزش، طلبه ناگزیر از استقلال و تصمیم‌گیری مستقل است و اگر توانایی کافی برای این امر نداشته باشد، دچار بحران خواهد شد.

• **اصل هفتم: رعایت اصل تدریج و پرهیز از تحمیل**
علامه مصباح بزدی علیه‌السلام در طول عمر شریف خود، بارها بر اصل تدریج در تربیت تأکید کردند. تحول‌های سریع و ناگهانی در افراد، انتظار بی‌جایی است. انسان در تمام ابعاد به‌تدریج رشد و حتی سقوط می‌کند؛ بنابراین در برنامه‌ریزی‌های تربیتی باید اصل تدریج با توجه به سن، عوامل طبیعی و اجتماعی مدنظر باشد. زدودن ناهنجاری‌ها و کسب فضایل اخلاقی، نیازمند زمان است و به‌تدریج محقق می‌شود و رعایت و توجه به تدریجی‌بودن تحول انسان، موجب موفقیت در تربیت طلاب خواهد شد.

• اصل هشتم: ترجیح اهم بر مهم؛ تشخیص اولویت‌ها

یکی دیگر از نکات کلیدی، توجه به اولویت‌ها و ترجیح اهم بر مهم است که هم امر عقلایی و هم دینی است. علامه مصباح می‌گفتند: «من مدت‌ها می‌نشینم فکر می‌کنم، آن اهم و به‌تعبیر دیگر، واجب کدام است؟»

ایشان متذکر می‌شدند که در دوران کنونی، مایشتتر با انتخاب میان واجبات رویه‌رو هستیم، نه بین واجب و مستحب. ممکن است گاهی در قیامت از انسان پرسیده شود: چرا این کار را انجام دادی؟ خدایا واجب بود و واجب را نمی‌شود ترک کرد و ندا برسد که اگرچه آن واجب بود؛ اما به‌خاطر انجام واجب تو واجب مهم‌تر (واجب) را ترک کرده‌ای. وظیفه تو انجام واجب بوده است؛ لذا در مسائل تربیتی، باید همواره به تشخیص و اولویت‌بندی امور اهتمام بورزیم و مهم‌ترین‌ها را مقدم بدانیم.

• اصل نهم: تقویت حس مسئولیت‌پذیری و روحیه‌ایثار

از اصول مهم دیگر، برانگیختن حس مسئولیت و روحیه از خودگذشتگی در طلبه است. برخی مدیران ممکن است، تنها تمرکز خود را بر امر آموزش و کسب نمرات بالای تحصیلی قرار دهند و مسائل اجتماعی را به آینده موکول کنند که این تفکر غلط است. طلبه از بدو ورود به حوزه، باید بداند مسئولیت اجتماعی هم بر دوش اوست. این تقویت احساس مسئولیت باید حساب‌شده و با برنامه‌ریزی در روح و جان طلبه نهادینه گردد که طلبه در زمان لزوم در جامعه احساس وظیفه و مشارکت کند.

این احساس مسئولیت شامل تمامی مسائل اجتماعی، خانواده، جامعه و تعهد به مقابله با تهاجمات فرهنگی و ظلم‌ستیزی و استکبارستیزی می‌شود. در حقیقت، تربیت یک طلبه موفق باید همراه با پرورش روحیه جمع‌گرایی، جهاد و مبارزه در راه حق و عدالت باشد.